

بنام خالق هستی

احمد خاک طینت یکی از نوازندگان خوش فکر و خلاق است که شیوه نوازندگی خاص خود را دارد. او را می‌توان در تکنیک نوازندگی دف منحصر به فرد دانست. او از پیشگامان اشاعه دف‌نوازی ایران به همراه اساتیدی همچون بیژن کامکار و اردشیر فهیمی از سال ۷۰ به بعد بوده است. وی همچنین از سابقه آهنگسازی و تنظیم برای ارکستر نیز برخوردار می‌باشد. کتاب حاضر که نتیجه تحقیق، پژوهش، گردآوری و تجربیات چندین ساله وی است، نگاه و دریچه جدیدی را به روی بسیاری از علاقمندان و فراگیران ریتم، دف و حتی شاخه‌های دیگر موسیقی می‌گشاید. این کتاب شامل یکصد دور ناپ می‌باشد که برخی از آنها برای اولین بار نگارش شده و برخی نیز در عرصه موسیقی ایران فراموش شده‌اند. همچنین یکصد قطعه نیز بر اساس این دورها ساخته شده است که ناشی از تجربه و مهارت نویسنده بوده و مبنایی برای تکنوازی و گروه نوازی دف می‌باشد.

سخن آخر اینکه این اثر تلفیقی از دانش، تجربه، تکنیک‌ها و دورهای نابی است که بر غنای موسیقی کشور عزیزمان می‌افزاید و ارزش فرهنگی و تاریخی آن قابل توجه است. انتشارات مشاهیر هنر با هدف تغییر پارادایم و ایجاد نگاهی نوین در عرصه ریتم و دف‌نوازی ایران، این اثر را به جامعه موسیقی کشور عزیزمان تقدیم می‌نماید.

انتشارات مشاهیر هنر

تابستان ۱۳۹۷

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

بخش اول (از راست به چپ)

- ۸..... بررسی اجمالی فراز و نشیبهای موسیقی ایران از دوران حکومت امویان تا قاجاریه
- ۱۷..... مروری کوتاه بر مقامات و گوشه ها و دستگاهی موسیقی ایرانی در کشورهای همسایه
- ۱۸..... مقام
- ۱۹..... دور چیست ؟
- ۲۰..... صفی الدین ارموی
- ۲۱..... پرده برداری از یک راز تاریخی
- ۲۲..... منابع

بخش دوم (از چپ به راست)

- ۲..... ریتم سوخته
- ۴..... علائم و اصطلاحات بکار رفته در کتاب
- ۵..... دورها و قطعات

بررسی اجمالی فراز و نشیبهای موسیقی ایران از دوران حکومت امویان تا قاجاریه؛

دوران خلافت امویان ۶۶۱-۷۵۰؛

در زمان خلافت امویان، به تدریج از احکام شرع در داخل دربار کاسته می شود با رسوخ ایرانیان به حکومت امویان، به تقلید از دوران شکوهمند ساسانیان، خلافت آنها نیز کم کم به سان پادشاهان گردید. در آن زمان موسیقیدانان ایرانی با ارج و قرب آنان مواجه شدند و زبان عربی یاد گرفتند و موسیقی ایرانی را به همراه رقص و ساز و آواز، گسترش دادند، چنانچه پروفیسور (ر.لوی) [نویسنده‌ی رساله‌ی مشهور خود به نام «ایران عرب»] بازگو می کند که وارد کنندگان و آورندگان موسیقی، بخصوص موسیقی متنوع و جذاب در آن زمان به دنیای عرب، ایرانیان، بویژه موسیقیدانان ایرانی بودند که برای اشتغال به کار هنری به عربستان رفته بودند و آنان موسیقیدانان حرفه‌ای بودند. در این رابطه نیز پروفیسور هنری جرج فارهر در رساله‌ی خود به نام موسیقی شرق، می نویسد که: اعراب در اوائل اسلام موسیقی چندانی نداشتند؛ آنان چند ساز ضربی به نام کاسات داشتند و آوازهای کوتاهی که فقط از چند نت موسیقی تشکیل می شد به نام «حدی» که برای راندن شتر در بیابان و ساریانی می خواندند.

در اوائل اسلام پس از فتح ایران، موسیقی دانان و نوازندگان چیره دست برت (عود) نواز ایرانی توسط اعراب استخدام می شدند و با درآمدهای خوب در آن زمان مشغول به کار موسیقی می شدند. در زمان خلافت امویان نیز، موسیقی ایرانی آنقدر جذاب بود که خلفای وقت نیز به فراگیری و نواختن ساز و آواز ایرانی مشغول می شدند که از آن میان می توان عمر بن العزیز فرمانروای حجاز را نام برد، که خود نیز آهنگ می ساخت و می نواخت. همچنین می توان به کسانی دیگری اشاره کرد که در آن زمان به گسترش و پرورش موسیقی زیبای ایرانی پرداختند که فزونی نوازندگی و ایجاد نغمه‌هایشان با ساز برت و آواز خواندنشان از مدینه تا شام در اوائل اسلام و تا زمان خلافت و حکومت امویان و عباسیان از آنان در طول تاریخ یاد کرده‌اند مانند نشیط فارسی، یا نشید فارسی که خود یکی از بزرگان ایرانی است. و یا به کسانی مانند مسلم ابن محرز، حکم الوادی، عمر الوادی، صائب خاثر، یونس کاتب، اسماعیل ابن هیربد و دیگر موسیقی دانان برجسته‌ی ایرانی اشاره کرد که ساز و آواز و موسیقی ایرانی را در آن زمان در میان اعراب گسترش دادند یونس بن سلیمان کوردی شهریار معروف به یونس نیز از بزرگان آن زمان بود که که اولین کتاب های موسیقی پس از اسلام را با مهارت تمام به رشته‌ی تحریر درآورد که با نام نغم-الینان- مجرد- از آن یاد شده است.

دوران خلافت عباسیان، ۷۵۰-۱۲۵۸

در اوایل دوران عباسیان، به واسطه‌ی وارد شدن فرهنگ بزرگ ایران و دانایان و دانشمندان و هنرمندان بزرگ ایرانی به جای مانده از تاریخ شکوهمند دوران طلایی ساسانی، و پاسداری از این فرهنگ باستانی و گسترش و مانایی آن، برای آیندگان، همیشه برای اعراب تازه به دوران رسیده، با آن همه وفور نعمت و آبادانی به پهنای بزرگی فلات ایران، دل انگیز و رویایی می نمود، و با درایت این بزرگ مردان و زنان ایرانی در قالب حکومت به ظاهر عرب، فرهنگ و هنر ایرانی به ویژه موسیقی ایرانی برای اعراب سحرانگیز و آسمانی به نظر می رسید و چنان نیز بود، و خود به خود اعراب جذب آن می شدند و برای شکوه و جلال هرچه بیشتر اندرونی کاخهای به دست آمده از تمدن ایران، موسیقی را از دربار بزرگ تمدن ساسانی به پیشگاه خلیفه‌ی اسلامی آوردند. بازم این هنر موسیقی ایران بود که از بغداد به غنیمت گرفته تا شام و اندلس، به پیش می رفت و هرچه بیشتر خاطرشان را آرام و مسرور می گردانید. یادمان نمی رود بزرگانی همچون ابراهیم جهرمی میمون آبادی و پسر خلفش اسحاق موصلی که او همواره خود را میراث دار باربد ساسانی می دانست. همچنین میراث دار او حماد اسحاق یا زریاب این نوازنده و سازنده‌ی بزرگ ایرانی، با هنرنمایی بی بدیل این استاد موسیقی با آن پنجه‌ی طلایی خود که تا اسپانیا نیز موسیقی ایرانی را گسترش داد، و باعث ساخت ساز کنونی جهانی به نام «گوی تار» (گیتار) گردید. زریاب این موسیقی دان بزرگ ایرانی گرچه نباید فراموش کرد، نفوذ و تأثیر و حمایت خاندان‌های بزرگ ایرانی را در پرده نشینی حکومت عباسی را، نقش مهم آنان در شکل گیری شهر رؤیای بغداد در سال ۱۴۵ ق. سازو نوای خنیاگران ایرانی گاه چنان شور و شعفی به اینان می نمود که به ناگاه اختیار از کف می دادند و به اندرون، سراسیمه با، های، های، گویان و کف زنان، سرورشان را پنهانی فریاد می زدند، کیسه‌ی زر می بخشیدند و جوانیرو درجه‌ی درباری اعطا میکردند قدر رامشگران و خنیاگران دوران را می دانستند، چرا که می گفتند این سازو آواز از برای خلیفه است، تا شادمانیش صد افزون شود. گفته‌ای بیاوریم از روایت گونه‌ی هنری جرج فارمر، محقق و شرق شناسی. اروپای که از «حافظ» که در زمان حکومت عباسیان و خلافت هارون رشید زندگی می کرده است. که هارون، درجات موسیقیدانان آن زمان را مانند اردشیر بابکان (ساسانی) بنیاد نهاده بود از او طبیعت می کرد، برقرار ساخته بود و اعطا می کرد و ما همیشه شاهد ادامه‌ی روش شاهان ساسانی در اندرون کاخ‌های شان هستیم که بیشتر سردم‌داران حکومت عباسی به واسطه ایرانیان آن را پاس داشتند و هنر ایرانی را در دنیای اسلام و اعراب گسترش دادند و این را به وفور می توان در حکایت‌های «طبری» و کتاب «الغانی» ابوالفرج

مروری کوتاه بر مقامات و گوشه‌ها و دستگاهی ایرانی در کشورهای همسایه

با یک بررسی اجمالی و بسیار ساده در خصوص اصطلاحات مفهومی موسیقایی ایرانی که در کشورهای عرب و ترک تا آفریقایی مانند مصر، لیبی و غیره به کار می‌روند، می‌فهمیم که مقامات یا گوشه و پرده‌های این نغمه‌ها- که امروزه معرف موسیقی عرب و ترک گشته است- ریشه در جایگاه جغرافیایی و میهنی کشورمان دارد. ما به وفور مقام یا پرده یا گوشه‌ی دوکا (گاه)، چهارکا (گاه) سی کا (گاه)؛ را از زبان موسیقی دانان و نوازندگان و خوانندگان عرب و ترک می‌شنویم، که برای معرفی ترانه یا قطعه‌ی ارکستری یاسلو و آوازی خود از آنان استفاده می‌کنند. واژه «گاه»، از واژه‌های کهن ایرانی است که در اوستا نام برده شده است مانند چهار گات، سه گات و حتی خود گات و گات‌ها، که نشان از یک زمان و یا بکارگیری مشخص یک وقت و یا یک زمان برای یک کار یا یک عبادت و نیایشی خاص و یا خواندن یک سرود بخصوص است، مانند چاشت گاه که معرف گاه صبح زود می‌باشد، کما اینکه هم اکنون در زبان کهن کردی «سورانی» واژه «کات» که همان «گات»، بوده است به همان معنی وقت یا زمان به کار برده می‌شود، مثلاً می‌گویند «کاتی نیوه رو» یعنی زمان نیم روز یا ظهر است. خب ناگفته پیداست که چهارگاه یا چهار گات همان چارکا (چهارگاه) عرب یا ترک است و سی کا (سه گاه) و حتی دو گاه؛ باز می‌توان به واژه‌های دو، سه، چهار نیز اشاره کرد که ایرانی است نه عربی، البته این از لحاظ واژه‌شناسی و به کارگیری مفهومی این مقام است نه بررسی تنالیتیه یا بکارگیری فواصل آنها با یکدیگر و یا گوشه و مقامهایی مانند نهاوند، راست، کرد، نوا، بوسلیک، همایون، عراق، عزال، زنگوله، حجاز کار، سوزناک، خوش، کوش رنگ، که همه دلالت بر نامهای ایرانی دارند. حال به این روند فواصلی و تنیک مقام راست دقت کنید.



غیر از نامهای ایرانی در این فواصل یک گامی یا دودوانگی، بسیار ساده می‌توان تنیک هر دستگاه ایرانی و گوشه‌ی آن را با موسیقی دستگاهی ایران مطابقت نمود. مانند سه گاه که نت شاهد آن می‌کرن و یا چهارگاه که درجه‌ی چهارم دو بوده، آغازگر دستگاه چهارگاه می‌باشد؛ یا گوشه حسینی که نت درجه‌ی دوم آن کرن است و دوگاه که از درجه‌ی دوم نت تنیک آغاز می‌شود. حال به درجات مقام راست در موسیقی ترکیه نگاه کنید از نت



